



بچه کاشی

معرفی و نقد کتاب خاطرات دیوید آلیانس

(بخش دوم)

علیرضا سلطانشاهی

انقلاب اسلامی و آلیانس

آلیانس بدون شک به شاه علاقه مند بود و به او احترام می گذاشت. این حس او در قبال شاه را می توان به دلایل مختلف با توجه به خاطراتش ریشه یابی کرد:

۱. شاه و پدرش امکان مناسبی برای مهاجرت یهودیان از ایران یا از طریق ایران به اسرائیل فراهم کرده بودند و آلیانس و یهودیان از این بابت از پهلوی ممنون بودند.^۱
۲. محمدرضا شاه هر گونه تسهیلی برای یهودیان جهت رسیدن به قدرت، پول و جایگاه سیاسی را فراهم کرده بود. او در این مورد می گوید:

طی سلطنت این دو پادشاه بر خوردها و تبعیض های مذهبی با یهودیان - لاقفل تا جایی که من شاهد بودم - بسیار کم بود. یهودیان در همه حرفه های تخصصی ترقی کردند و بسیاری از آنان توانستند در مشاغلی مانند استادی دانشگاه، پزشکی، بانکداری، موسیقی،

۱. داود آلیانس، بچه کاشی (زندگی نامه و خاطرات داود آلیانس)، ترجمه گوئل کهن، لندن، ساتراپ، ۲۰۱۶، ص ۷۶.



کارخانه‌داری و صنعت، مهندسی، بازرگانی و حتی سیاستمداری به مقامات برجسته‌ای برسند.^۱

۳. آلیانس خود بهره‌های فراوانی از تعامل با دولت ایران به دست می‌آورد. چنان که ادعان می‌کند:

... من به انقلاب سفید که محمدرضاشاه در جهت تغییر و توسعه کشور شروع کرده بود علاقه‌مند شده بودم. او قصد داشت از این طریق به اوضاع متلاطم و پر تنش کشور سر و سامان دهد. در سفرهای مکرر خود به ایران بعد از سال ۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی) مدام به محافل اجتماعی و تجاری دعوت می‌شدم و از این راه دوستان زیادی در نهادهای بازرگانی بانکی و سیاسی پیدا کرده بودم. در این سفرها تجارب و توصیه‌های تخصصی خودم را با میل و رغبت در اختیار تولیدکنندگان در صنایع نساجی و هیئت مدیره بانک توسعه صنعتی قرار می‌دادم. این بانک یک نهاد قدرتمند تحت کنترل دولت بود که در مورد صرف میلیاردها دلار درآمد نفتی در طرح‌های زیربنایی کشور از جمله صنایع نساجی تصمیم‌گیری می‌کرد.^۲

آلیانس با برشمردن این حضور گسترده خود، به بهره‌های مالی اشاره نمی‌کند؛ گویی برای رضای خدا صرفاً این همه سفر می‌کرده و به بانک‌ها مشورت می‌داده!

۱. همان، ص ۳۲۵-۳۲۴.

۲. همان، ص ۳۲۰. مشیر عزری در صفحه ۲۵۵ از جلد اول خاطرات خود می‌گوید: «دوستی و همکاری من با علم با پایان یافتن کار دیپلماتیک من در ایران پایان نیافت. یک سال از سوی وزارت دارایی اسرائیل به رایزنی در زمینه‌های نفتی پرداختم، سپس از وزارت خارجه مرخصی گرفتم و نمایندگی بانک روچیلد را در ایران برپا کردم. لرد ویکتور روچیلد و پسرش جیکوب با همکاری سر دیوید آلیانس (یهودی ایرانی تبار) و سرپرستی من، بانک روچیلد در ایران را برپا نمودیم.»

همچنین در مورد تکاپوی اقتصادی آلیانس در ایران به این مطلب برمی‌خوریم: «سرلشگر ضرغام از بهائیان متعصب ارتش بوده است. او در زمان نخست‌وزیری دکتر منوچهر اقبال به وزارت گمرکات ایران و انحصارات و مدتی هم به عنوان وزیر دارایی منصوب شد... سرلشگر ضرغام پس از کناره‌گیری از مدیریت بانک اصناف از سوی ارتشبدی‌یادی برای ریاست تعاونی ارتش «اتکا» انتخاب می‌شود و شاه حکم ریاست او را صادر می‌نماید و به دستور دکتر ایادی تمام خریدهای کلان خود را از تجار و سرمایه‌داران بهایی و یهودی انجام می‌دهد. در این سال‌های کلیدی، کارخانجات نساجی ایران در آستانه ورشکستگی قرار داشتند و شورای پول و اعتبار بانک مرکزی تمام شرکت‌های دولتی را مکلف کرده بود تا پارچه‌های مورد نیاز خود را از کارخانجات داخلی خریداری نمایند. اما ضرغام و سپهبد ایادی به این تصویب توجهی نکردند. البته این مورد اولین اقدام خلاف قانون ایادی نبوده است و ایشان همیشه با پرداخت مالیات مشکلاتی داشته است و در نهایت بی‌توجهی پارچه‌های مورد نیاز خود را جهت تهیه لباس فرم ارتش از خارج خریداری می‌نماید. طرف قرارداد او در تجارت خارجی، سرمایه‌داری به نام «داود الیاس» [آلیانس] یهودی بوده است که این شخص به سبب تجارت با کشور ایران به یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌داران جهان تبدیل می‌شود. (عبدالکریم/یادی به روایت اسناد، میرصمد موسوی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۶۷-۶۶)

آلیانس ضمن توجیه برخی رفتارهای مستبدانه شاه از جمله عملکرد ساواک و تنفر شاه از خشونت [۱] اقدام نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را برای کنترل و حفظ امنیت در کشور لازم می‌دانست

این حضور آلیانس در ایران به ویژه با وقوع جنگ ۱۹۷۳ و جهش قیمت نفت پررنگ‌تر می‌شود؛ به ویژه در زمانی که دریا بیم رشد اقتصادی ایران ۲۰ درصدی^۱ و صنایع انگلیس به دلیل افزایش قیمت نفت دچار مشکل و رکود شده و بیکاری به اوج خود می‌رسد.^۲ در حالی که به زعم آلیانس در آن سال‌ها در ایران بیکار وجود نداشته است،^۳ [۱] و باز هم حضور پررنگ آلیانس در ایران و عدم پاسخ به این سؤال که با توجه به این وضعیت بسیار مطلوب تصویر شده از سوی آلیانس، به چه دلیل انقلاب صورت گرفت؟

* * *



دیوید آلیانس به هنگام دریافت نشان

آلیانس ضمن توجیه برخی رفتارهای مستبدانه شاه از جمله عملکرد ساواک و تنفر شاه از خشونت [۱] اقدام نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را برای کنترل و حفظ امنیت در کشور لازم می‌دانست^۴ و صراحتاً و موکداً این ادعا را در کتاب خاطرات خود مطرح می‌کند که شاه در عین داشتن توان به کارگیری زور و خشونت، حاضر به انجام آن نشده^۵ و به این نقل قول از شاه اشاره می‌کند که:

۱. داود آلیانس، همان.
۲. همان، ص ۲۸۴.
۳. همان، ص ۳۲۴.
۴. همان، ص ۳۲۰.
۵. همان، ص ۳۲۵.

یک پادشاه، تاج و تخت خود را با خون مردمش ننگه نمی‌دارد اما یک دیکتاتور می‌تواند این کار را بکند. دیکتاتور ایدئولوژی و اعتقادی را باور دارد که به هر قیمتی باید قدرت را حفظ کند.^۱

آلیانس دیگر به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که اولاً کشتارهایی همچون ۱۵ خرداد یا ۱۷ شهریور با چه استدلالی انجام شد و اگر تازه قرار بود که شاه دیکتاتور مآبانه خشونت کند، چه اقدام وحشیانه‌تری از ساواک یا سرکوب و خفقان را می‌خواست اعمال نماید؟! *

آلیانس بخش مهمی از مطالب کتاب خاطرات خود در ارتباط با انقلاب اسلامی و شاه را به کوتاهی غرب در قبال خدمات شاه اختصاص می‌دهد. از جمله:

۱. سیاست کارتر در قبال ایران را به شدت مورد حمله قرار می‌دهد و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که کارتر در قبال سلطه کمونیزم حاضر به روی کار آمدن یک حکومت مذهبی در ایران شده است. او می‌گوید:

رئیس‌جمهور برخاسته از حزب دموکرات امریکا - یا آن‌طور که من او را می‌نامم - زارع بادام زمینی - متقاعد شده بود که برای دور نگه داشتن ایران از دست کمونیست‌ها استقرار یک حکومت مذهبی، گزینه بهتری از حکومت متزلزل شاه خواهد بود. قضاوت نادرستی که تنها گذشت زمان توانست آن را ثابت کند.^۲



دیوید آلیانس در مرکز مطالعات ایرانی

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۲۸.

آلیانس به نقل از شاه، بی بی سی را دشمن درجه یک خود می دانست و برای خاموش کردن آن گزینه های مختلفی از جمله اقدام ارتش در انهدام ایستگاه های تقویتی آن در کشورهای همسایه را روی میز داشته است

او در این میان یک ادعای کذب را نیز بیان می کند و آن مذاکره حضرت امام (ره) با امریکایی ها در نوفل لوشاتو و اطمینان دادن به آنها برای حمایت از دموکراسی و نظام سرمایه داری و آزادی های بیشتر در ایران است! ^۱ ناتوانی غرب در مواجهه با انقلاب

اسلامی این تئوری را دامن زد که آنها با سران انقلاب اسلامی معامله کردند و بدین صورت به شاه خیانت شد؛ و البته این خیانت ناجوانمردانه تبعاتی برای آنها در منطقه داشت؛ از جمله این تحلیل دیوید اوئن که پیروزی انقلاب اسلامی تبعات ناگواری از جمله اشغال افغانستان توسط شوروی، جنگ هشت ساله عراق و ایران، اشغال کویت، جنگ خلیج فارس، و واقعه ظهور بن لادن برای منطقه و غرب در برداشت ^۲ و آلیانس ضمن تأیید این تحلیل ظهور داعش را نیز از تبعات پیروزی انقلاب اسلامی برمی شمارد. ^۳

۲. عملکرد بی بی سی تندترین انتقاد آلیانس به غرب را در پی دارد؛ انتقاداتی شبیه به آن در موضوع فلسطین که غیر قابل اغماض و زیان بار بوده است.

آلیانس به نقل از شاه، بی بی سی را دشمن درجه یک خود می دانست ^۴ و برای خاموش کردن آن گزینه های مختلفی از جمله اقدام ارتش در انهدام ایستگاه های تقویتی آن در کشورهای همسایه ^۵ را روی میز داشته و از سفیر انگلیس در ایران ^۶ به همین منظور که بتواند صدای بی بی سی را خفه کند استفاده کرده و حتی خواهر خود را برای رایزنی در این مورد به لندن اعزام کرده است. ^۷

آلیانس خود نیز معتقد است که بی بی سی نقش بسیار مهم و مخربی در سقوط شاه ایفا کرد و شکایت شاه در این مورد بجا بود. ^۸ «پرویز راجی» سفیر ایران در انگلیس نیز یکی از مشغله های خود در این کشور را تلاش برای خاموش کردن صدای بی بی سی علیه شاه ذکر می کند و اولین دستور در هر مذاکره ای میان مقامات ایران و انگلیس را بی بی سی و نقش مخرب آن می داند. ^۹

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۴۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۳۰.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان، ص ۳۳۱.

۹. پرویز راجی، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ح. ا. مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۷.





یوسی آلفر در کتاب *پیرامونی* خود به این موضوع اشاره می‌کند که بختیار از سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای ترور حضرت امام (ره) درخواست مساعدت کرده است

دیوید آلیانس ضمن صحنه‌گذاردن بر این اقدامات بی‌بی‌سی، خود از جر و بحث با مسئولین آن می‌گوید^۱ که پرویز راجی نیز از این تلاش آلیانس در کتاب خود ذکری به عمل می‌آورد.^۲ ولی گویا این تلاش‌ها فایده‌ای در

برنداشته است.

آلیانس معتقد است که بی‌بی‌سی منبع اصلی پخش‌کننده دستورالعمل‌های^۳ حضرت امام (ره) بوده است یا موفقیت انقلابیون را بزرگ جلوه می‌داده و سرکوب رژیم را شفاف^۴ و حتی به نقل از یک روزنامه انگلیسی روش ساختن کوکتل مولوتف را با تمام جزئیات آن در سراسر ایران پخش کرده است.^۵ آلیانس حتی برای اثبات نظر منفی و اغراق‌آمیز خود نسبت به گزارشات بی‌بی‌سی اعتراف «آندرو ویتلی» خبرنگار بی‌بی‌سی در ایران را ذکر می‌کند که اگر پخش برنامه‌های بی‌بی‌سی در داخل کشور و انبوه شنوندگان آن نبود، انقلاب به آن سرعت پیشرفت نمی‌کرد!^۶

۳. ترور حضرت امام (ره) از موضوعات جنجال برانگیز مطرح در کتاب *خاطرات آلیانس* است که در سایر منابع مربوطه از جمله کتاب یوسی آلفر^۷ و الیگزرسن تسفریر^۸ نیز به آن اشاره شده است.

یوسی آلفر در کتاب *پیرامونی* خود به این موضوع اشاره می‌کند که بختیار از سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای ترور حضرت امام (ره) درخواست مساعدت کرده است که اسرائیل پس از بررسی این درخواست به آن پاسخ منفی داده. آلفر خاطر نشان می‌سازد که بختیار پس از اسرائیل این را از سایر سرویس‌های اطلاعاتی غربی هم درخواست کرده بود و همه آنها این درخواست را رد کرده بودند.^۹

الیگزرسن تسفریر نیز در کتاب *شیطان بزرگ و شیطان کوچک* به این درخواست از سوی ایران اشاره می‌کند ولی درخواست‌کننده بختیار نیست بلکه خود شاه است؛ که مأمور

۱. داود آلیانس، همان، ص ۳۲۲.

۲. پرویز راجی، همان، ص ۲۹۶.

۳. داود آلیانس، همان، ص ۳۳۲.

۴. همان، ص ۳۳۳.

۵. همان، ص ۳۳۲.

۶. همان، ص ۳۳۳.

7. Yossi Alpher, *Periphery*, Israel's Search for Middle East Allies, Rowman and Littlefield, London, 2015.

۸. الیگزرسن تسفریر، *شیطان بزرگ، شیطان کوچک*، شرکت کتاب، ۱۳۸۶.

۹. داود آلیانس، همان، ص ۲۳۱.

اسرائیلی در یک ملاقات با شاه در دربار این درخواست را رد می‌کند.^۱ این مأمور اسرائیلی دلیل مخالفت با درخواست ترور حضرت امام (ره) را این گونه بیان می‌کند که «این نوع کارها در مکتب ما نیست» ولی جالب است که تفسیر در جای دیگر از کتاب خود از ضرورت نابودی حضرت امام (ره) به دلیل مشکلاتی که بعداً برای غرب و منطقه به وجود آمد سخن می‌گوید!^۲



دیوید آلیانس و شائول موفاز، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی

اما آلیانس موضوع ترور امام را به گونه دیگری مطرح می‌کند؛ او درخواست کننده را بختیار می‌نامد و مخالف این کار را چه در پاریس و چه در عراق و چه توسط اطرافیان امام را، شاه ذکر می‌کند و حتی در یک سفر پس از خروج شاه از ایران در مکزیک صراحتاً این سؤال را مطرح می‌کند که چرا مخالف ترور حضرت امام (ره) بوده است و شاه لحظه‌ای به او نگاه می‌کند و بعد سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «یک پادشاه واقعی این کار را نمی‌کند».^۳

با این اظهار نظرها، تصور بر آن است که بختیار، شاه، اسرائیل و حتی سرویس‌های اطلاعاتی در غرب هیچ کدام مخالفتی با حذف فیزیکی حضرت امام (ره) از طریق ترور نداشتند ولی ظاهراً به دلایلی که هم‌اکنون ابعاد آن مشخص نشده است، توان اجرای آن را نداشته‌اند و حداقل از تبعات شدید مردمی پس از آن در هراس بوده‌اند و هم‌اکنون با این ژست‌های انسان دوستانه خود را تبرئه می‌کنند.

۴. بیماری شاه و بی‌اطلاعی قدرت‌ها از این بیماری به زعم آلیانس بسیار جبران ناپذیر

۱. الیعزر تسفریر، همان، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۵۰۶.

۳. داود آلیانس، همان، ص ۳۴۵-۳۴۳.



آخرین مأمور موساد در ایران، ارتباط با بختیار در دوران نخست وزیری اش را بسیار نزدیک ذکر می کند

بود. آلیانس به نقل از دیوید اوئن اظهار می دارد که این بیماری شش سال از موساد، ساواک، سیا و MI6 و حتی همسر او فرح پنهان نگه داشته شده بود؛^۱ در حالی که لزوم اطلاع از آن به هر صورتی ضروری می نمود.

آلیانس در این مورد می گوید:

متحیرم که چه گونه ام آی سیکس با غفلت و بی کفایتی، از بیماری شاه اطلاع نداشت، غفلتی که منجر به نتایجی مصیبت بار شد. دیوید اوئن معتقد است که اگر رهبران دول غربی از بیماری شاه آگاه بودند، او را تا حد امکان بر سر قدرت نگه می داشتند تا طی یک دوره مسالمت آمیز انتقالی، حکومتی دموکراتیک در ایران ایجاد شود و بدین ترتیب آیت الله خمینی هرگز اجازه بازگشت به ایران را نمی یافت. در آن صورت سراسر تاریخ خاورمیانه به نحو دیگری ورق می خورد.^۲

در واقع آلیانس با ذکر این کوتاهی از سوی غرب و اسرائیل، به این احتمال اشاره می کند که دست شستن سریع غرب از شاه، بیماری او بود که دیگر امیدی به بقای آن نیز در سلطنت وجود نداشت؛ و چه بسا با معالجه به موقع آن، تا حدودی از فروپاشی سلطنت به این سرعت و روی کار آمدن یک نظام ضد غربی صهیونیستی جلوگیری می شد.

تعامل و تقابل با انقلابیون

دیوید آلیانس مدعی است که با حضرت امام (ره) در پاریس یک دیدار داشته است که تاکنون منبعی آن را تأیید یا رد نکرده است. این دیدار پس از آنی صورت می گیرد که آلیانس با شاه دیدار می کند و ظاهراً همه چیز را پایان یافته درمی یابد. آلیانس در مورد دیدار با امام (ره) می گوید:

من برای اولین و آخرین بار با آیت الله خمینی ملاقات کردم. یک صبح روز شنبه در پاریس، در سرسرای هتل ژرژ پنجم (hotel U George) به فرزند او - احمد - معرفی شدم با هم به طرف سوئیت بزرگ او در هتل به راه افتادیم هنگام صرف چای، درباره وضعیت ایران و آینده جامعه یهودیان گفت و گو کردیم. کمی قبل از پایان جلسه پرسید «دوست

۱. همان، ص ۳۲۷.

۲. همان.



دارید پدرم را ملاقات کنید» بی‌درنگ پاسخ دادم «بله». او مرا نزد پدر خود در اتاق بغلی برد. به نظر می‌رسید که افراد زیادی در رفت و آمد بودند. حدود نیم ساعت منتظر ماندم تا این که آیت‌الله عبا بر تن و عمامه بر سر وارد اتاق شد و روی زمین نشست. او نه به من و نه به هیچ کس دیگر نگاه نکرد. اما در حضورش احساس عصبی و ناراحت داشتم که تا ابد این سنگینی حضور را فراموش نخواهم کرد. بعد از احوال‌پرسی کوتاه و رسمی، به آیت‌الله گفتم که خانواده‌ام هنوز در ایران زندگی می‌کنند و دلواپس‌اند که چه بر سرشان خواهد آمد. او با لحنی محکم گفت: «یهودی‌ان اهل کتاب هستند و هیچ جای نگرانی ندارند». در تمام مدت گفت‌وگویمان، چند نفر به طور مستمر وارد اتاق می‌شدند و چیزهایی در گوش او می‌گفتند یا تیکه کاغذی به دستش می‌دادند تا بخواند. مجبور شدم کمی صبر کنم تا فرصتی دست دهد که درباره شاه از او بپرسم. او همچنان بی‌آن که به من نگاه کند گفت: وقتی شاه ایران را ترک کند، ما به سوی آینده‌ای درخشان پیش خواهیم رفت؛ بعد ایستاد و مرا مرخص کرد. وقتی بیرون آمدم در حالی که بی‌هدف در خیابان‌های پاریس قدم می‌زدم، به این فکر می‌کردم که اتفاق بعدی چه خواهد بود.^۱

یکی از مهم‌ترین اقدامات دیگر آلیانس در واپسین روزهای احتضار رژیم پهلوی، تلاش برای نخست‌وزیری شاپور بختیار بود. به همین دلیل در سفر آبان ماه ۵۷ خود به ایران قبل از دیدار با شاه از طریق دکتر اعتبار به ملاقات بختیار رفت.^۲ آلیانس در مورد دکتر عبدالحسین اعتبار می‌گوید:

زمانی سعی داشتم دکتر اعتبار را برای مدیریت کارخانه ریسندگی در اصفهان استخدام کنم. اما در نهایت آن کارخانه را نخریدم. اعتبار یکی از وزرای سابق شاه بود که به تهمت مشارکت در کودتایی برای براندازی حکومت او، مجبور شد تا با تغییر قیافه و در لباس خلبانی به طور قاچاق از ایران فرار کند. بعدها با وساطت نزد شاه، اعتبار مورد عفو قرار گرفت و به ایران بازگشت و یکی از دوستان خوب من شد.^۳

۱. همان، ص ۳۲۶. دلایل بسیار زیادی وجود دارد تا عقلاً به حقیقت این دیدار تردید کنیم. ولی تمام داستان دیدار به این دلیل بود که مخاطبین محترم این مقال با مرور کامل آن در راست‌آزمایی آن اظهار نظر دقیق نمایند.

۲. همان، ص ۳۲۹.

۳. همان.



قبل از ادامه بحث لازم است در مورد دکتر اعتباری که سابقه توطئه چینی در کودتا را نیز دارد از زبان مئیر عزری سفیر سابق اسرائیل در ایران مطلبی را دریابیم. او می گوید: پس از پایان کارهای سفارت تم در ایران به رایزنی در وزارت خارجه و دارایی پرداختم. در این دوره با دکتر اعتبار که وابسته به یکی از خاندان های بزرگ بود آشنا شدم. او زبان های انگلیسی فرانسه و آلمانی را خوب می دانست. از سران بی نام و نشان دستگاه فرمانفرما بود و زمین های پهناوری را در استان های گوناگون کشور زیر نگین داشت. اعتبار گمان می کرد دستگاه سیاسی کشور به او بی مهری کرده است؛ گو اینکه با برنامه های شاه چندان سازگار نبود. ولی هر از گاه از برخی خودسری ها نیز رویگردان نبود. با دکتر شاهپور بختیار که در پاریس کشته شد، پیوند تنگاتنگی داشت. از همسر آلمانی، سپس از همسر ایرانی - آلمانی و سپس از همسر سوئیسی اش سوا شده و دختر دکتر بختیار را که سی سال از خودش جوان تر بود به همسری برگزیده بود. یک دوره به وزارت بازرگانی رسید و تا آنجا که توانست نام اسرائیل را در ایران سربلند کرد. پس از این دوره نیز همواره یکی از دوستان وفادار این کشور و مردمش ماند. شادروان دکتر اعتبار پس از سال ها گوشه گیری در پاریس در گذشت. دکتر اعتبار با دیوید آلیانس همکاری های پر دامنه ای داشت و در دوران غربت از یاری ها و پشتیبانی های آلیانس برخوردار شد.^۱

روند نخست وزیری بختیار پس از کسب موافقت بختیار و متقاعد کردن شاه با کارگردانی میدانی آلیانس به روایت آخرین مأمور موساد در ایران به این صورت مطرح شد:

در آن روزها، یک یهودی گراندقدر که ریشه و تبار ایرانی داشت و سال های بسیار طولانی بود که در بریتانیا زندگی می کرد و در واقع بیشتر انگلیسی بود تا ایرانی و در آن ایام صاحب بزرگترین کارخانه پارچه بافی جهان، واقع در منچستر بود؛ به تهران آمده بود. از او فقط با نام کوچکش دیوید یاد می کنم... برای نخستین بار دیوید را هنگامی که به خانه من آمد [ه بود تا با سفیر مان (یوسف هرملین) ملاقات کند دیدم]... دیوید فرد عزیزی بود که با همه بزرگان حکومت و جامعه ایران

۱. مئیر عزری، یادنامه، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۳.



ارتباط بسیار نزدیک و شخصی داشت؛ از شاه گرفته تا دیگران. از زبان او بود که شنیدم که شاه در حال مذاکره با شاپور بختیار است و این احتمال مطرح است که او را به عنوان نخست‌وزیر برگزیند. دیوید قول داد که ملاقاتی میان سفیرمان با آقای اعتبار، یکی از دستیاران نزدیک شاپور بختیار، از سران جبهه ملی ترتیب دهد. قولش قول بود و آن را بلافاصله عملی کرد. این گام مهمی برای ما محسوب می‌شد. زیرا کسی که امروز در صف اپوزیسیون قرار داشت ممکن بود که همین فردا در صف پوزیسیون (حکومت) قرار گیرد.^۱

الیعزر تسفریر آخرین نماینده موساد، در ادامه به شرح جریان نخست‌وزیری بختیار با وساطت آلیانس به این گونه اشاره می‌کند:

در یکی از شب‌ها یوسف سفیرمان و من در کافه تریای هتل هیلتون نشستیم و شاهد خاموش یک تحرک سیاسی عجیب بودیم. دیوید دوستی که تازه با او آشنا شده بودیم، پشت میز دیگر نشسته بود. اما با چه کسی صحبت می‌کرد؟!

با جورج براون (وزیر خارجه پیشین بریتانیا) یا للعجب جورج براون اینجا در تهران چه می‌کند؟ معلوم می‌شود که آن دو در حال گفت‌وگو پیرامون آخرین تلاش‌ها در مورد تشکیل دولت بختیار بودند.^۲

شاپور بختیار به هر حال دولت خود را با این رایزنی‌ها روی کار می‌آورد و در اولین نطق خود با ابراز همبستگی با اعراب و ملت فلسطین و طرح وعده توقف صدور نفت به آفریقای جنوبی و اسرائیل^۳ نگرانی ناظران اسرائیلی را بر می‌انگیزاند که این بار باز هم دیوید آلیانس و دکتر اعتبار هستند که با ظاهری خواندن این ژست، اسرائیلی‌ها را از دلواپسی درمی‌آورند.^۴

نگرانی بعدی اسرائیلی‌ها باز هم به دست آلیانس برطرف می‌شود و این زمانی است که با وجود اعتصاب کارکنان هواپیمایی و قطع پروازهای شرکت‌های امریکایی و اروپایی این شرکت هواپیمایی العال است که با تماس آلیانس با بختیار و موافقت او نسبت به ادامه پروازها، هواپیماهای اسرائیلی تا آخرین لحظات قبل از سقوط پهلوئی

۱. الیعزر تسفریر، همان، ص ۲۶۴-۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۳. شاپور بختیار، یکرنگی، ترجمه مهشید امیرشاهی، خواران، ۱۹۸۲، ص ۲۱۱.

۴. الیعزر تسفریر، همان، ص ۲۸۷.



بی بی سی در نهم ژوئیه ۲۰۱۵ با اشاره به یادداشت «جواد خادم» وزیر مسکن و شهرسازی شاپور بختیار، از نقش موساد در خروج بختیار از ایران پرده برداری می کند

به فرودگاه های ایران نشست و برخاست داشته اند.^۱ تعجب اینکه در یک مورد این آلیانس بوده است که با اطمینان خاطر دادن به خلبان و هدایت او به سوی فرودگاه و باند، هواپیما را به زمین می نشاند.^۲ این دخالت و نفوذ در سیستم ناوبری هوایی ایران از سوی اسرائیل آنقدر فاحش بوده است که حتی اسرائیلی ها

مدعی ارتباط ایران با جهان از طریق العال بوده اند یا العال معروف شده بود به: «العال خطوط هواپیمائی ملی ایران»^۳

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و خروج بختیار پس از شش ماه اختفا به فرانسه باز هم نام دیوید آلیانس به میان می آید، منتهی نه از زبان خودش یا در همان موقع، بلکه بعدها و از زبان دیگران.

آخرین مأمور موساد در ایران، ارتباط با بختیار در دوران نخست وزیری اش را بسیار نزدیک ذکر می کند و یوسف هارملین که دو بار در آن مقطع با بختیار دیدار کرده بود خاطر نشان می سازد که دیدگاه های بختیار در مورد اسرائیل تسکین دهنده است.^۴ حتی تسفیر به عنوان نماینده موساد نیز با بختیار دیدار داشته است ولی به هر دلیل از ذکر مذاکرات اجتناب می کند و قرارهایی با هم در آتیه می گذارند که در کتاب خود باز هم بدان اشاره نمی کند.^۵ در ادامه تسفیر در مورد زمان و چگونگی استعفای بختیار، تجاها می کند و نام بازرگان در مخفی کردن بختیار را به میان می آورد؛^۶ ولی نمی تواند خوشحالی خود از نجات بختیار برای خروج از کشور را پنهان نماید.^۷ اما با تأسف در ادامه از موقتی بودن این نجات می گوید.^۸ دم خروس ادعای کذب و تجاها نماینده موساد زمانی بیرون می زند که از مساعدت به یکی از مقامات پهلوی برای خروج از ایران سخن به میان می آورد^۹ و فعال بودن این سرویس اطلاعاتی در این موارد را ثابت می کند.

۱. همان، ص ۲۶۶.

۲. داود آلیانس، همان، ص ۳۳۹-۳۳۷.

۳. الیغز تسفیر، همان، ص ۲۶۸.

۴. همان، ص ۳۰۳.

۵. همان، ص ۳۳۵.

۶. همان، ص ۳۸۲.

۷. همان، ص ۴۳۵.

۸. همان.

۹. همان.



جواد خادم

از سوی دیگر بی بی سی در نهم ژوئیه ۲۰۱۵ با اشاره به یادداشت «جواد خادم» وزیر مسکن و شهرسازی شاپور بختیار، از نقش موساد در خروج بختیار از ایران پرده برداری می کند. او در این یادداشت از نقش دکتر اعتبار که پیش از این با او آشنا شدیم سخن به میان می آورد که چگونه پس از هماهنگی با «ویوین» دختر بختیار و با همکاری موساد، پاسپورتی برای بختیار تهیه کرده و به گونه ای او را فراری می دهند که سیستم اطلاعاتی فرانسه هم از آن آگاهی نداشته است.^۱ ظاهراً یکی از منابع مورد استناد جواد خادم در طرح این ادعا، کتاب خاطرات «جهانشاه بختیار»، نوه بختیار با عنوان *من/ ایرانی؛ جاسوس سیا و موساد* چاپ سال ۲۰۱۴ است که به صراحت بر این ادعا مهر تأیید می زند و حتی از کمک های موساد از طریق دیوید آلیانس به بختیار در پاریس پرده برمی دارد.^۲ مثلث اعتبار، بختیار و آلیانس بار دیگر در کودتای نوژه معروف به نقاب، آفتابی می شود که اتفاقاً جواد خادم به آن نیز تصریح دارد.^۳ ضمن آن که سرهنگ «زادانداری» نیز به عنوان یکی از عناصر مرتبط با صهیونیست ها در این کودتا مطرح می شود و حتی عناصری از کشورهای عرب نیز با او همراه هستند.^۴

۱. بی بی سی، ۱۳۹۴/۴/۱۸.

۲. خبرگزاری میزان و خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۷/۱؛ بختیار نیز در کتاب خود به نام یکرنگی از این بی اطلاعی فرانسه می گوید و اینکه چگونه این شش ماه را سر کرده و با چه ظاهری فرار کرده است. ص ۲۱۱-۲۱۸. همان.

۳. همان.

۴. کودتای «نوژه»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۵۲ و ۲۹۷.



مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلستان و هم‌ا (همسر آلیانس) و آلیانس

دیوید آلیانس با طرح برخی اسرار در کتاب خود این زمینه ذهنی در مخاطب را ایجاد کرد که او تنها یک فرد صنعتگر و تاجر نیست بلکه به اعتراف خود با سیاسیون ارتباطاتی داشته که تمام این سرنخ‌ها و شواهد می‌تواند گمانه‌زنی‌های احتمالی باشد که تازه بخشی از آنها رنگ حقیقت به خود گرفته و باید ابعاد عملکرد و فعالیت او را در اسنادی که در آینده از نهانخانه دولت‌های ذی‌ربط یا اشخاص فعال در این حوزه در قالب خاطره یا مصاحبه منتشر می‌شود، یافت.

اقدامات عام [یا خاص] المنفعه!

بسیاری از سرمایه‌داران یهودی برای کسب وجهه و آبروی خود اقدامات خیره‌ی‌عام المنفعه‌ای را در قالب تأسیس سازمان یا مؤسسه، ساماندهی می‌کنند و چه بسا برخی از این مؤسسات یا اقدامات، پوششی برای سایر فعالیت‌هایشان نیز باشد که مصادیق متعددی از این شیوه را در کتاب آلیانس شاهد هستیم.^۱

آلیانس به هنگام ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج خود،^۲ علاقه‌مند به تحقیقات و در

۱. آلیانس در کتاب خود از تأسیس کتابخانه برای باغ فین کاشان در سال ۱۳۵۰ می‌گوید؛ (ص ۵۹) افتتاح مرکزی برای بازیابی والدینی که فرزندان خود را گم کرده‌اند، (ص ۵۵۲) تأسیس دفتر رسیدگی به وضع آوارگان؛ (ص ۳۴) کمک به تحقیقات برندگان نوبل؛ (ص ۵۳۹) محافظت از خانواده کارگران به هنگام مریضی کارکنان خود (ص ۲۱۳). انواع خدمات عمرانی، علمی و بهداشتی در اسرائیل، تقبل هزینه خرید زمین بنیاد سارا و یقوتی ال در ناتانیای اسرائیل به پاس قدردانی از زحمات آقای قوتی ال در پرورش بچه‌های دانش‌آموز یهودی کاشان در سال ۱۳۸۴ (بریل خرد، ص ۱۳۲) و در سایت Dorim از کمک ۵۰ هزار دلاری وی به ساخت مقبره موشه هلوی در کاشان، کمک به بازسازی بم نیز سخن به میان آمده است و قابل تأمل اینکه در مراسم تجلیل از وی در سال ۲۰۰۵ در لندن، موریس معتمد نماینده یهودیان در مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کند!

۲. داوود آلیانس، همان، ص ۵۳۸.

نتیجه کمک به برخی مراکز پزشکی برای مداوای برخی امراض می‌شود که از میان ده‌ها موردی که مستقیم و غیر مستقیم به آن اشاره می‌کند، تعریف یک داستان ابعاد گسترده‌تری می‌یابد؛ به ویژه در زمانی که برخی دیگر از دوستان به اصطلاح صلح‌دوست او نیز در این مسیر گام‌هایی برداشته‌اند؛ که یک نمونه از آن در این کتاب بسیار قابل تأمل است.

داستان از این قرار است که آلیانس در یک دیدار با پروفیسور «سبین»، یهودی لهستانی و مشاور ریچارد نیکسون که در اسرائیل رئیس مؤسسه علمی وایزمن و سازنده یک واکسن مهم برای نجات جان انسان‌ها [۱] است، پی به وجود یک گیاه شبیه خشخاش برای درمان اعتیاد می‌برد. این گیاه فقط در کوهستان‌های البرز ایران می‌روید و حتی تلاش آمریکایی‌ها و اسرائیل پس از ربایش و بردن تخم آن به خارج از ایران برای رویش و تکثیر آن جواب نمی‌دهد.^۲

این گیاه که در ظاهر می‌تواند بشریت را از بلای اعتیاد به مواد مخدر نجات دهد مورد تحقیق و پژوهش یک یهودی ایرانی متخصص و اهل همدان به نام «ایرج لاله‌زاری» است که دارنده مدرک دکترای تخصصی شیمی آلی از دانشگاه پاریس بود. او پس از کشف این گیاه که به «آریا ۱» و «آریا ۲» نامیده شد^۳ آن را در سطحی از افراد ذی‌نفوذ به ویژه یهودی در میان می‌گذارد و بدین ترتیب پای دولتمردان از جمله نیکسون به این ماجرا باز می‌شود و سبین از سوی او برای صنعتی کردن این پروژه مأمور شده،^۴ پای عزری به عنوان سفیر اسرائیل و آلیانس به عنوان سرمایه‌گذار هم به میان می‌آید.^۵ اگرچه آلیانس در کتاب خود پیگیری در این امر را تنها با ظاهر خدمت به بشریت تعریف می‌کند ولی غافل از اینکه مثیر عزری در خاطرات خود از عواید فراوان مالی آن سخن به میان می‌آورد و از احداث کارخانه‌ای در ایران با مالکیت ۳۵ درصد از سهام آن به دیوید آلیانس خبر می‌دهد و حتی برای توزیع بین‌المللی آن حضور «شائول آیزنبرگ» یهودی که یک بازاریاب معروف دارو در سطح بین‌الملل است، ضروری می‌شود.^۶

هم اکنون از سرنوشت این پروژه اطلاعی در دست نیست ولی این داستان مصداق بارزی از فعالیت سودجویانه شبکه جهانی صهیونیسم با محوریت پول است که چطور از محقق، مخترع، تولیدکننده، سرمایه‌گذار، مذاکره‌کننده، توزیع‌کننده و تمام اجزای آن

۱. همان، ص ۵۴۱.

۲. همان، ص ۵۴۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. مثیر عزری، یادنامه، ج ۲، ص ۶۰.

۶. همان، ص ۶۱.



گرفته تا تبلیغ کننده و فروشنده آن یهودی هستند و تأسفبار اینکه تمام این تکاپوی مالی با پوششی خیرخواهانه! برای رهاندن بشریت از عفريت اعتياد به مواد مخدر نمايش داده می شود.

نتیجه

دیوید آلیانس یکی از ده‌ها و شاید صدها فردی باشد که پله‌های ترقی در عرصه تجارت و جمع‌آوری ثروت و سرمایه را چه از طریق تلاش و همت و چه از طریق زد و بند و تبهانی طی کرده و بر جایگاهی تکیه زده است که هم‌اکنون نه تنها از مجرای تجارت و پول، بلکه از مسیر سیاست و علم با شرح مفصلي که از آن در این مقال رفت، به عنوان یک الیت یا نخبه، مؤثر و جریان‌ساز است.

در قبال این دست افراد با خاطرات و زندگینامه‌هایی که جهت اطلاع افکار عمومی منتشر می‌کنند به دو شکل می‌توان برخورد کرد. یا می‌توان با تکیه و توجه بر احساسات و دیدن برش‌های تأثیرگذار از آنچه او می‌گوید، آنچنان که در مصاحبه دو قسمتی با بی‌بی‌سی اشک ریخت در مورد این فرد قضاوت کرد و در حد یک فرد باتجربه از او آموخت و به کار بست یا با دقت در آنچه می‌گوید و آنچه انتظار دارد که اثر بگذارد، توقف کنیم و با اندکی راست‌آزمایی از جریانی که می‌خواهد در دل داستان ما را با خود ببرد کنار کشیده به کنه ذهن و سناریوی وی واقف شویم. حداقل در مورد صهیونیست‌هایی همچون دیوید آلیانس، گزینش راه دوم عقلانی و صواب است.

شناخت دقیق این افراد راه صحیح تعامل با این عده در دنیای سیاست و اقتصاد را نیز مشخص می‌کند و طبیعی است که ابراز علاقه آنها به ایران و کاشان و امثال آن برای برقراری یک رابطه سالم متقابل کفایت نمی‌کند.^۱ در واقع وجود یک سرمایه‌دار علاقه‌مند به ایران توجیه‌کننده دلیل ما برای صدور مجوز ورود او به مناسبات سیاسی و اقتصادی ما نمی‌شود. مگر اینکه با مناسبات صهیونیستی وجه اشتراکی پیدا شود که اساساً تصور بعیدی است.

والسلام

۱. در سال ۱۳۹۵ از برخی سایت‌های خبری از جمله پارس‌نیوز از تلاش یکی از مقامات برای تعامل با آلیانس اخباری منتشر شد و حتی از دیدار برخی با وی در لندن هم مطالبی مطرح گردید و تعجب‌آورتر اینکه از او برای سفر به ایران نیز دعوت به عمل آمده است. باید توجه داشت که با یک نیت بشردوستانه تنها می‌توان به چنین فردی برای زیارت مزار مادرش مجوز ورود صادر کرد؛ البته اگر برخی اقدامات امنیتی وی از جمله تدارک کودتای نوژه و... به اثبات نرسیده باشد.

گاهشمار زندگی لرد دیوید آلیانس

۱۱۴۳ شمسی (۱۷۶۴ میلادی) جیمز هارگریوز، ماشین نخ‌ریسی را اختراع کرد.
۱۱۴۷ (۱۷۷۰) ریچارد آرکرایت نخستین دستگاه ریسندگی برای تولید انبوه پارچه‌های نخی را ساخت.
۱۱۵۸ (۱۷۷۹) ساموئل کرامپتون با توسعه اختراعات قبلی دستگاه کامل ریسندگی را طراحی کرد.
۱۱۶۶ (۱۷۸۵) ساخت اولین ماشین بخار در صنعت نساجی در لانکاشایر
۱۲۸۶ (۱۹۰۷) تأسیس مدرسه کلیمیان کاشان یقوتی ال
۱۲۹۳ (۱۹۱۴) سفر دایی آلیانس به نام یعقوب به منچستر و باز شدن پای خانواده به آنجا
۱۳۰۶ (۱۹۲۷) ازدواج دایی یعقوب با مرجوری از یک خانواده مرفه یهودی در انگلیس
۲۵ خرداد ۱۳۱۱ (۱۵ ژوئن ۱۹۳۲) تولد دیوید آلیانس در کاشان
۱۳۱۴ (۱۹۳۵) در اختیار گرفتن باغ فین کاشان توسط دولت؛ و بیماری مادر آلیانس که منجر به مرگ او بر اثر ناراحتی قلبی شد.
۱۳۱۷ (۱۹۳۸) مرگ مادر آلیانس در زمان شش سالگی آلیانس
۱۳۲۳ (۱۹۴۴) ترک خانوادگی از کاشان و مهاجرت به تهران و تحصیل در مدرسه کوروش
۱۳۲۴ (۱۹۴۵) ترک تحصیل از مدرسه در ۱۳ سالگی
۱۳۲۹/۷/۷ (۲۹ سپتامبر ۱۹۵۰) اولین روز ورود به منچستر پس از سفر به انگلیس
۱۳۳۳ (۱۹۵۴) ثبت عقد ازدواج با آلما (دختر دایی)
۱۳۳۴ (۱۹۵۵) ازدواج رسمی با آلما در ۲۳ سالگی در سالگرد تولد خود و خرید اولین اتومبیل شخصی به نام واکسال ویوا
۱۳۳۵ (۱۹۵۶) خرید اولین شرکت خود به نام «توماس هاتون» و تجربه ریاست به عنوان اولین عضو سهامدار شرکت
۱۳۳۵ (۱۹۵۷) پرداخت آخرین قسط طلبکاران و رهایی از بدهی‌های توماس هاتون پس از شش ماه از خرید آن و خرید شرکت «آندرو سوایر» با مدیریت «توماس فولدز»
آذرماه ۱۳۴۰ (دسامبر ۱۹۶۱) پیشنهاد خرید شرکت یورپ تکستایلز
۱۳۴۰/۱۱/۲۶ (۱۵ فوریه ۱۹۶۲) خرید شرکت جیمز روت ول
تیر ۱۳۴۱ (ژوئیه ۱۹۶۲) خرید شرکت سیمسون و گادلی





۱۳۴۲ (۱۹۶۳) با تشکیل بانک خانوادگی لرد «جیکوب روچیلد»، آلیانس به آن پیوست و جزء اولین مشتری‌های آن شد. بر هم زدن شراکت با دایی امیر (ادوارد) و عنایت. خرید شرکت سفارشات پستی «جی دی ویلیامز» در ۳۲ سالگی
 ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) آلیانس برای به دست آوردن نقدینگی، بخش مهمی از سهام شرکت «ورلد واید» و «اطلس» را فروخت تا جی دی ویلیامز را حفظ کند.
 ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) مجموع شرکت‌های خریداری شده از سوی آلیانس به ۲۰۰ شرکت رسید

۱۳۴۶ (۱۹۶۸) پیوستن به جمع میلیونرها
 ۱۳۴۷/۹/۴ (۲۵ نوامبر ۱۹۶۸) تأسیس شرکت مادر سفارش پستی «ان براون»
 ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) خرید شرکت «اسپیرلا» بزرگترین تولیدکننده لباس زیر زنانه
 ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس کتابخانه در باغ فین کاشان
 ۱۳۵۲ (۱۹۷۲) اسرائیل رسماً فلالشه‌ها در اتیوپی را بیهودی خواند.
 ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) مرگ پدر آلیانس پس از یک سال بستری شدن در انگلیس
 ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) لرد جیکوب روچیلد از بانک روچیلد جدا شد و گروه سرمایه‌گذاری خود به نام «آرآی تی کاپیتال پارتنر» را تشکیل داد.

۱۳۶۰ (۱۹۸۱) مشارکت در تأسیس حزب سوسیال دموکراسی با دیوید اوئن
 ۱۳۶۳/۳/۲۷ (۱۷ ژوئن ۱۹۸۴) ازدواج دخترش سارا در روز پدر
 ۱۳۶۴/۴/۲۶ (۱۷ ژوئیه ۱۹۸۵) ادغام شرکت «ناتینگهام» با «ونتونا وایلا» با ریاست «هری جنافلی» بیهودی و معاونت آلیانس

۱۳۶۴ (۱۹۸۵) خیز برداشتن برای خرید شرکت «کوتز»
 ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ (دهم فوریه ۱۹۸۶) طرح پیشنهاد خرید کوتز و خرید آن
 ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) درگیر شدن در پرونده «گی نس»
 ۱۳۶۶ (سپتامبر ۱۹۸۷) رسیدن ارزش بازاری شرکت آلیانس به بالاترین حد خود یعنی ۲/۸ میلیارد دلار

۱۳۶۷ (۱۹۸۸) آغاز سراسیبهی شرکت آلیانس در ارزش و سوددهی
 ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) خیز برداشتن برای خرید «توتال» و خرید آن پس از دو سال
 ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) تولد «جاشوا» به عنوان سومین فرزند البته از همسر دوم به نام هما
 ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) آغاز افول قدرت آلیانس با وخیم شدن اوضاع اقتصادی انگلیس و اوج گرفتن بیماری افسردگی و بستری شدن او در بیمارستان. استعفا از مدیر عاملی و انتصاب «نویل بین» به جای خود در حالی که مطبوعات او را سلطان نساجی نامیدند.

۱۳۷۰/۲/۳۱ (۲۱ مه ۱۹۹۱) گریختن «منگیستوها یله ماریام» از اتیوپی دقیقاً چهار روز پیش از عملیات سلیمان که آلیانس در آن نقش داشت.

۱۳۷۰/۳/۳ (۲۴ مه ۱۹۹۱) اجرای عملیات سلیمان و مهاجرت ۱۴۳۱۰ یهودی از اتیوپی با نقش مستقیم آلیانس

۱۳۷۳ (۱۹۹۳) پیوستن دیوید اوئن به هیئت مدیره شرکت آلیانس با توجه به سابقه سیاسی او

۱۳۷۵ (۱۹۹۵) نامگذاری تالار نساجی موزه علم و صنعت در منچستر به نام آلیانس

۱۳۷۶ (۱۹۹۷) برکناری رنویل بین از مدیرعاملی پس از هفت سال تحمل ناکارآمدی او

۱۳۷۸ (۱۹۹۹) تشخیص اطباء به ابتلاء آلیانس به سرطان پروستات، تأسیس مؤسسه بازیابی فرزندان از والدین مفقودشده، تصمیم به استعفا از هیأت مدیره شرکت «کوتزواایلا»

۱۳۷۹ (۲۰۰۰) انتصاب هری جناقلی یهودی به عنوان مدیر عامل کوتزواایلا

۱۳۸۰ (۲۰۰۱) مرگ «مار کوس سیف» مالک مارکس اند اسپنسر خریدار اصلی محصولات آلیانس

۱۳۸۳ (۲۰۰۴) عضویت افتخاری در مؤسسه علوم و تکنولوژی منچستر

۱۳۸۳ (۲۰۰۴) ورشکستگی کوتزواایلا- و پایان امپراتوری نساجی آلیانس به ارزش ۵۰۰ میلیون پوند و فروش آن به شرکت «گی نس پیت گروپ»

۱۳۸۵ (۲۰۰۶) تشخیص اطباء به ابتلا آلیانس به سرطان لوزالمعده و عمل جراحی او

تیرماه ۱۳۹۱ (ژوئیه ۲۰۱۲) اعلام بازنشستگی از ریاست هیئت مدیره شرکت ان براون به عنوان تنها سهامدار بزرگ و اصلی سفارش پستی

۱۳۹۳ (۲۰۱۴) جشن پنجاهمین سال تأسیس شعبه بانک روچیلد در منچستر

۱۳۹۴ (۲۰۱۵) تغییر نام دانشکده معروف و معتبر بازرگانی منچستر به نام لرد آلیانس.

